

# زینب اکبر



این نوشتار، که با هدف گرامی‌داشت سال‌روز میلاد عقیده بنی‌هاشم به نگارش درآمده، می‌کوشد تا پس از مروری کوتاه به وقایع زندگی آن حضرت، اشاره‌ای نیز به برخی از کمالات و فضایل والای پشان گردد.

## سرگذشت زینب

بنا به قول مشهور، حضرت زینب علیها السلام سومین فرزند فاطمه زهرا علیها السلام در روز پنجم جمادی‌الاول سال پنجم یا ششم هجری چشم به جهان گشودند. در این زمان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خارج از مدینه بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام نام‌گذاری این کودک را به تأخیر انداختند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه برگشتند. آن حضرت به فرمان الهی نام این مولود مبارک را زینب گذاشتند و توصیه فرمودند که این طفل را همواره گرامی بدارید؛ چون او شبیه جدش خدیجه کبری علیها السلام است. یعنی همان‌گونه که حضرت خدیجه علیها السلام در آغاز بعثت با شجاعت و فداکاری متحمل زحمات زیادی شد تا نهال نورسته اسلام حفظ و بارور شود، حضرت زینب علیها السلام نیز با صبر و ایثار و تحمل سخت‌ترین فشارها از به خطر افتادن اساس اسلام جلوگیری به عمل می‌آوردند. در توصیف آن حضرت می‌گویند: حضرت در وقار شخصیت چون جدش حضرت خدیجه علیها السلام و در عفاف و عصمت همانند مادرش زهرا علیها السلام بودند.

زینب کبری تا حدود پنج یا شش سالگی، تحت اشراف شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در آغوش مادر بزرگوارش حضرت زهرا علیها السلام پرورش یافت و از این پس، مسؤولیت تربیت و پرورش او به عهده علی علیه السلام گذارده شد. تا این‌که در سال هفدهم هجری به همسری پسرعمویش، عبدالله بن جعفر درآمد. آن‌گاه که مردم با امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام بیعت کردند، حضرت برای یاری پدر از مدینه به کوفه رفت و در مدت پنج سال دوران سخت حکومت علی علیه السلام، همواره یار و تسکین بخش غم‌های پدر بودند و زنان کوفه را آموزش می‌دادند... چون علی علیه السلام در محراب عبادت با شمشیر ابن ملجم مرادی ضربت خوردند، پرستاری آن حضرت را برعهده گرفتند و به دنبال شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و هنگام نوبت امامت برادر بزرگشان امام حسن علیه السلام در کنار برادر قرار گرفتند و آن‌گاه که امام حسن علیه السلام از کوفه به مدینه برگشتند، به همراه ایشان حضرت زینب علیها السلام نیز به مدینه آمدند. وقتی که در سال پنجاه هجری معاویه حضرت امام حسن علیه السلام را مسموم کرد باز غم‌خواری و پرستاری برادر با زینب بود و پس از شهادت امام حسن علیه السلام در خدمت امام حسین علیه السلام بودند و زمانی که در سال شصت هجری امام حسین علیه السلام عازم مکه شدند، به همراه آن حضرت از مدینه خارج شدند و از آن لحظه به بعد تا روز عاشورا در خدمت به قیام اباعبدالله علیه السلام تلاش می‌کردند و لحظه‌ای از آن حضرت جدا نشدند. نقل می‌کنند در جریان حرکت به سوی عراق ابن عباس به امام حسین علیه السلام گفت اگر ناگزیر باید به این سفر بروید، حداقل این زنان و

بچه‌ها را با خود نبرید.

در این لحظه، حضرت زینب علیها السلام خطاب به ابن عباس فرمودند:... سوگند به خدا از حسین جدا نخواهم شد، همراه او خواهم بود با او زندگی کرده و با او می‌میرم. (۱)  
در روز عاشورا با ایثار چند برادر و فرزند و برادرزاده و... فداکاری در راه خدا را به حدی رساند که حتی ملکوتیان را به تعجب واداشت و از عصر عاشورای سال شصت هجری به بعد رسالت پیام‌رسانی خون شهیدان و سرپرستی و رهبری اسیران نهضت عاشورا را برعهده گرفت و لحظه‌ای از حمایت امام زین‌العابدین علیه السلام غافل نگشت و بارها در این سفر خوف‌ناک جان آن حضرت را از خطراتی که او را تهدید می‌کرد نجات بخشید. حضرت زینب با ایراد خطبه‌های آتشین یا به کاخ‌های ستم بنی‌امیه را به لرزه درآورد و در یک کلام، با این کار همه تبلیغات و نقشه‌های دشمنان را خنثی و نفاق منافقان را رسوا و غفلت غافلان را برطرف ساخت. اگر تلاش بی‌نظیر و فداکاری کامل زینب نبود، به یقین جریان کربلا را بنی‌امیه یا به فراموشی می‌سپردند یا از مسیر حیات‌بخش خود منحرف می‌کردند و به قول شاعر:

سز نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

چهره سرخ حقیقت بعد از آن طوفان رنگ

پشت ابری از ریا می‌ماند اگر زینب نبود

در عبور از بستر تاریخ سیل انقلاب

پشت کوه فتنه‌ها می‌ماند اگر زینب نبود (۲)

آن حضرت سرانجام، پس از انجام کامل این رسالت سنگین یک سال و نیم پس از جریان عاشورا در رجب سال شصت و دو هجری با کوله‌باری از غم و اندوه چشم از جهان فرو بست.

## فضایل و اوصاف زینب

حضرت زینب علیها السلام به اعتراف همه تاریخ‌نویسان، آراسته به همه فضایل و خصلت‌های والای اخلاقی و الهی بودند و در سایه این کمالات به مرتبه‌ای از منزلت انسانی دست یافتند که شایستگی محرم‌راز الهی و امین ودایع امامت و ولایت بودن را حداقل در بخشی از عمر شریفشان به خود اختصاص دادند. (۳)  
حضرت این را به برکت عنایات خاص الهی و پاک‌ی سرشت و نحوه تربیت و پرورش در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام و تلاش‌هایی که در راستای کسب سبایای اخلاقی و به جای آوردن عبادات و فرامین الهی انجام داده بود به دست آورد. القابی که برای آن حضرت نقل شده است به گوشه‌هایی از عظمت شخصیت این بزرگ بانوی اسلام دلالت دارند. از جمله: عالمه غیر معلمه، ناثبه الزهراء، عقیده النساء، الکامله، ولیده الفصاحه، صدیقه الصغری، معصومه الصغری، صابرة محتسبه، بطلة کربلا، سلیة الزهراء، امینه‌الله، محدثه، ناموس کبریا، قره عین مرتضی، عقیده بنی‌هاشم، محبوبة المصطفی، زاهده، عابده، نایغة الزهراء، سز ابیها و...

همان‌گونه که بیان شد، تک تک این لقب‌ها به گوشه کوچکی از فضیلت‌ها و اوصاف برجسته آن حضرت دلالت دارند، به عنوان نمونه، درباره برخی از این اوصاف و کمالات توضیح مختصری در این قسمت ارائه می‌گردد:

۱. خداشناسی و عرفان: بی‌شک همه کمالات آن حضرت در کل، علاوه بر بیان ابعاد مختلف شخصیت بی‌نظیر این بانوی بزرگوار، به درجه بالای عرفان و خداشناسی او دلالت دارد. اگر مرتبه توحیدش قریب به مرتبه توحید حضرات معصومان نبود، هرگز نمی‌توانست سکان‌دار طوفان کربلا باشد.

هنوز کودکی بیش نبود که از پدر بزرگوارش علی علیه السلام سؤال کرد: آیا مرا دوست داری؟ حضرت فرمودند: بله دخترم! فرزندان ما پاره‌های جگرهای ما محسوب می‌شوند. آن‌گاه زینب علیها السلام عرض کرد: محبت و خدا دوستی با حب فرزندان در قلب مؤمن چگونه جمع می‌گردد؟ اگر گریزی از این دو امر نیست، باید گفت: دوستی محض از آن خدا و مهرورزی برای فرزندان است. با این بیان، دختر زهرا علیها السلام کمال معرفت خود را در توحید خالص به نمایش گذاشت.

در همان دوران کودکی حضرت زینب علیها السلام، پدر بزرگوارشان به او فرمودند: دخترم! بگو: یک زینب گفت: یک، آن‌گاه علی علیه السلام فرمودند بگو: دو. در این لحظه حضرت زینب سکوت کردند. چون سکوت ایشان طول کشید علی علیه السلام فرمودند: دخترم! چرا سکوت کردی؟ عرض کرد: پدر جان با زبانی که

گفته‌ام یک، توان دو گفتن را ندارم. امیرمؤمنان علی (ع) از این پاسخ بسیار عمیق دخترشان خیلی خوشحال شدند و او را که در این حال طفلی بیش نبودند، مورد تقد و محبت قرار دادند. (۴)

۲. علم و دانش: برای شناخت مقام علمی حضرت زینب (ع) می‌توان به امور زیادی پی برد که از جمله آن‌هاست:

- خطبه‌های بسیار بلند و پرمحتوایی که از آن بانوی گرامی به جای مانده است.  
- به شهادت همه تاریخ‌نویسان در کوفه، کلاس‌های تفسیر و آموزش قرآن داشتند و زن‌های کوفه را با قرآن و احکام اسلامی آشنا می‌ساختند.

- راویان بزرگی چون عبدالله بن عباس از او روایت‌های زیادی را نقل می‌کنند که از جمله این روایات است خطبه تاریخی حضرت زهرا (ع)، این در حالی است که زینب در زمان خوانده شدن این خطبه پنج یا شش سال بیش‌تر نداشتند و ابن عباس با این عبارت از آن حضرت در روایاتی که از او نقل می‌کند، یاد کرده است: «حدثنی عقيلتنا زينب (ع) بانوی فہيم و اندیشمند ما زينب بر من چنین روایت کردند...» و برخی از او با تعبیر خبر و بحر یعنی سرشار از علم و دریای علم یاد می‌کنند. حتی زمانی که در مجلس یزید آن خطبه آتشین را بیان کردند، یزید درباره‌اش گفت: اینان خاندانی هستند که فصاحت و دانش و معرفت را از پیامبر به ارث برده‌اند و آن را با شیر مادر نوشیده‌اند. (۶) و از شیخ صدوق روایت شده است که زینب به جهت علم و دانش زیادی که داشتند، از سوی امام حسین (ع) نیابت خاص داشت و مردم در مسائل شرعی (حلال و حرام) به ایشان رجوع می‌کردند. در یک مورد نقل شده است روزی امام حسن و امام حسین (ع) درباره بعضی از سخنان پیامبر اکرم (ص) با هم گفت‌وگو می‌کردند، حضرت زینب (ع) وارد شدند و در بحث ایشان شرکت کردند و مسأله را با تمام صوری که داشت با تفصیل تمام تبیین فرمودند. حضرت امام حسن (ع) وقتی این توانایی فوق‌العاده خواهر را دیدند، خطاب به او فرمودند: «أنت حقاً من شجرة النبوة و من معدن الرسالة...» (۷) به راستی که تو از درخت نبوت و معدن رسالت هستی.

۳. عبادت و بندگی: گرچه سراسر زندگی حضرت زینب (ع) برای حفظ و احیای معارف اسلامی سپری شد، که همه آن‌ها با هدف اطاعت از اوامر الهی انجام می‌گرفت اما آن حضرت در عبادت به معنی خاص نیز از موقعیت برجسته‌ای برخوردار بودند. در سخت‌ترین شرایط نیز به طور کامل به انجام وظایف عبادی اهتمام می‌ورزیدند. حضرت سجاد (ع) می‌فرماید: عهقهام زینب در جریان حادثه کربلا با آن همه مشکلات حتی در شب عاشورا و شب یازدهم محرم نیز نماز شب را ترک نکردند. (۸) امام حسین (ع) به اندازه‌ای به خلوص و بندگی زینب اعتقاد داشتند که هنگام وداع خطاب به او فرمودند: یا اختا لا تسینی عند نافلة الليل. (۹) خواهرم مرا در نماز شب خود فراموش مکن.

باز امام سجاد (ع) می‌فرماید: عمه‌ام زینب در طول راه کوفه و شام، همواره نماز شب را به پا می‌داشت. در برخی از منازل بین راه می‌دیدم که او از فرط خستگی و رنجوری ناشی از آزار دشمن، نمازش را در حال نشسته می‌خواند. (۱۰)  
همه این وقایع به خوبی از اهتمام کامل حضرت زینب (ع) به عبادت خبر می‌دهد و درست به دلیل برخورداری از این ویژگی بوده است که یکی از القاب آن حضرت «عابده آل علی (ع)» انتخاب شده است.

۴. شجاعت و شهامت: برخورد حضرت زینب (ع) در برابر دشمنان بسیار اعجاب‌انگیز است. وی با ستمگران با تمام وجود به مبارزه برخاست در حالی که آنان در اوج عظمت و اقتدار بودند. خطبه بی‌نظیری را در حضور دژخیمان ایراد نمود و شجاعت بی‌مانندی را از خود به نمایش گذاشت.

یکی از نویسندگان در آن‌باره می‌نویسد: برخورد و عکس‌العمل زینب در برابر دشمنان بسیار اعجاب‌انگیز است آنان در حالی که در اوج قدرت بودند، به تن‌دی برخورد کرد. زینب شیرزنی از خاندان بنی‌هاشم است، آن‌چنان با صدای بلند ندا سرداد که کاخ سلطنت امویان ستمگر و غاصب از جای کنده شد و در مجلس یزید سفاک سخنرانی مهمی انجام داد که او و اطرافیانش را مقتضع نمود. (۱۱)

۵. حجاب و عفاف: زینب کبری (ع) در رعایت عفاف همانند مادر بزرگوارشان بی‌بدیل هستند. مرحوم علامه مامقانی می‌نویسد: زینب در حجاب و عفاف یگانه است احدی از مردان در زمان پدرش و برادرانش تا روز عاشورا او را ندیده بودند. (۱۲)

فردی به نام یحیی مازنی می‌گوید: من در مدینه مدت زیادی در همسایگی حضرت علی (ع) به سر می‌بردم، اما در این مدت به خدا قسم هرگز زینب را ندیدم و حتی صدای

او را هم نشنیدم. (۱۳)

آن حضرت نه تنها در حالت عادی بلکه در بحرانی‌ترین لحظات زندگی خود به مسأله حجاب و عفاف اهتمام کامل داشتند. فردی روایت می‌کند: «وقتی اسرای کربلا را وارد کوفه می‌کردند امام سجاد را دیدم که بر شتری بدون روپوش سوار کرده‌اند... در این هنگام بانویی را دیدم که بر شتر برهنه‌ای سوار است سؤال کردم که او کیست؟ جواب دادند: او زینب کبری است. این بانو خطاب به مردم کوفه می‌گفت: ای مردم چشم‌های خود را از ما بپوشانید آیا از خدا و رسولش شرم نمی‌کنید به حرم و خاندان پیامبر خدا (ص) در حالی که پوشش و حجاب مناسبی ندارند نگاه می‌کنید. (۱۴)

نقل کرده‌اند پس از حادثه کربلا هر وقت که از شام و کوفه صحبت می‌شد، حضرت زینب چون به یاد آن ایام، که بدون پوشش مناسب خاندان پیامبر را از کوچ‌های این دو شهر عبور داده بودند، به شدت متأثر می‌شدند.

عز گذشت و ایثار: روزی علی (ع) مستمندی را به خانه آوردند تا از او پذیرایی کنند. وقتی از حضرت فاطمه (ع) پرسیدند آیا در خانه چیزی هست که با آن از مهمان عزیزمان پذیرایی کنیم؟ آن حضرت فرمودند: به غیر از مختصر غذایی که برای زینب کنار گذاشته‌ام، چیزی وجود ندارد. در این لحظه که حضرت زینب (ع) چهار سال بیش‌تر نداشتند، خطاب به مادر فرمودند: مادر جان غذای مرا به مهمان بدهید. (۱۵)

اوج ایثار و فداکاری و گذشت دختر علی (ع) در روز عاشورا به نمایش گذاشته می‌شود. نقل می‌کنند: صبح روز عاشورا در حالی که دو فرزند خود محمد و عون را به همراه داشت، خدمت امام حسین (ع) رسید. عرض کرد: جدم ابراهیم خلیل قربانی خدا را به جای قربانی شدن اسماعیل از خداوند جلیل پذیرفت. برادر جان تو نیز امروز این دو قربانی مرا بپذیر و اگر دستور جهاد از بانوان برداشته نمی‌شد، هزار بار جان خود را در راه محبوب فدا می‌کردم و هر ساعت خواستار هزار بار شهادت می‌شدم. (۱۶)

آن‌گاه فرمود: دوست دارم فرزندانم جلوتر از برادرزادگانم به میدان بروند. و وقتی که این دو نوگل زینب، پس از پیکار با دشمن به درجه رفیع شهادت در رکاب امام حسین (ع) نایل آمدند و پیکرهای غرق به خون آنان را به کنارخیمه‌ها آوردند، همه زنان از خیمه‌ها بیرون آمدند اما زینب کبری (ع) برای این که مبادا ابا عبدالله (ع) خجالت زده شوند، از خیمه خود بیرون نیامدند. (۱۷)

در لحظات پایانی ظهر عاشورا وقتی بالای سر پیکر خونین برادر و مقتدای خود امام حسین (ع) آمدند، با این جمله: پروردگارا این هدیه و قربانی را از اهل بیت پیامبر (ص) قبول فرما، نهایت اخلاص و فداکاری خود را به جهانیان اعلام کردند...

علاوه بر این اوصاف، زینب کبری (ع) در صبر و بردباری، زهد و تقوا، اخلاص و مدیریت و تدبیر و فصاحت و بلاغت و... بی‌نظیر بودند.

بی‌تدبیر در شرایط سخت کنونی اگر بانوان جوامع اسلامی سیره عملی و اوصاف اخلاقی شیرین کربلا را الگو و اسوه خود قرار دهند، هیچ‌یک از نقشه‌ها و ترفندهای دشمنان ارزش‌های اسلامی و انسانی به نتیجه نخواهد رسید، و روز به روز به جای افول ارزش‌ها و فضایل شاهد شکوفایی هر چه بیش‌تر آن‌ها خواهیم بود و بی‌شک در صورت تحقق چنین مهمی زمینه سعادت دنیا و آخرت برای مسلمانان مهیا خواهد شد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. خصائص الزینبیه، ص ۲۸۳
۲. قسمتی از شعر زخمی‌ترین فریاد، سروده قادر طهماسبی (فرید)
۳. امام حسین (ع) در آخرین ساعات زندگی خود امانات الهی را به زینب (ع) سپرده و حمایت و حفاظت از حضرت سجاد (ع) را به ایشان سفارش می‌کنند و امام سجاد (ع) نیز در بیان احکام و برخی مسائل ولایت نیابت خاصه به او داده بودند.
۴. خصائص الزینبیه، ص ۳۰۹
۵. سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۵۸
۶. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۳۷
۷. السیلة زینب، محمود شرقادی، ص ۹۸
۸. زینب کبری، فریادی بر اعصار، ص ۲۳
۹. ۱۰. زینب کبری، ص ۶۲ / ص ۶۳
۱۱. مرقه العقیله زینب، ص ۲۱
۱۲. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹
۱۳. زینب کبری، ص ۳۲
۱۴. مفصل مفرم، ص ۳۷۱
۱۵. رباعین الشریعه، ج ۳، ص ۶۴
۱۶. الطرز المذهب، ص ۷۴
۱۷. منتخب التاریخ، ص ۲۷۵

